

(بخش 13) یاد داشت هایی از یک سفر

((ژل گنگا ماتا)) ؛ مظهری از چونی و چرایی مذهب نزد بشر !



از آغاز ماه جولای بدینطرف ساحات گوناگون دهلی جدید ؛ شاهد مناظری متعدد از این گونه به مقیاس های مختلف می باشد و مسلماً عین چیز در سراسر هندوستان در جریان است .

اگر عناصر فیشنی ی بسیار زیاد را از این مناظر نادیده بگیرم ؛ در اصل مقداری آب رود مقدس گنگ است که توسط افراد غالباً جوان به هدف های معینه انتقال داده میشود . این افراد شامل زن و مرد و اطفال کم سن و سال و نیز کمیتی نا چیز از سالخورده گان می باشد . ولی حدوداً 70 فیصد شان را نوجوانانی تشکیل میدهد که به وضوح فقیر هستند .

مؤمنان حاضر نیستند ؛ این عنصر را ؛ «آب» بنامند ؛ چرا که در نظر آنان ؛ این ژل = دیلمه یا فیله ء گنگا ماتا یعنی گنگا مادر یا گنگا جی (بگوان گنگا)ست !

این "ژل" از منطقه ای به نام «هریدوار» از رود گنگا طی آداب و مراسم ویژه گرفته میشود . این نقطه از دهلی جدید به حساب سرعت ریل ؛ 5 ساعت فاصله دارد . آنانیکه برای آوردن این ژل نیت می کنند ، معمولاً خود را با همین لباس و سر و وضع می آریند و بیشتر هم پیاده تا نقطه متذکره میروند و بر میگردند .

البته کدام اجبار خاص از سوی کس یا مقامی بر کس نیست ؛ لذا طرز رفت و آمد بسته به اراده خود شخص است . مؤمنان سخت ایمان و ریاضتگری استند که تمام یا قسمتی از این فاصله را "چارغوک" نیز میکنند . در حالیکه مؤمنان ثروتمند با وسایل ترانسپورتی خویش در حمل و نقل این شی مقدس می پردازند .



ولی درین حال هم وسایل ترانسپورتی به شمول موتر های سرباز و تراکتور ها سخت آذین بسته میشود و علاوه با مجسمه ها و تمثال های بگوان ها هیبت و صلابت می یابد و نیز با دهل و سرنا و ورد خوانی و موسیقی و رقص های مذهبی بدرقه میگردد .



ظروف افراد عادی کوچک کوچک است و با چنگک های آذین بسته به درجات متفاوت ؛ حمل میگردد . ولی ظروفی هم فراوان است که هیچگونه فیشن و درشنی ندارند و فقط ژل مقدس را در خود

جای داده اند و بر دوش یا بغل حمل کننده گان از منبع به مقصد رسانیده میشوند . چون راه طولانی شخص تنها را از پای می اندازد ، لذا بالعموم سفر ها دو نفره و چند و چندین نفره صورت میگیرد .



مهمترین شرط این است که نباید ظروف ژل مقدس بر زمین خاکی گذاشته شود ؛ عقیده بر آن است که درین صورت قدسیت و پاکیزه گی ی آن زایل می گردد . لذا در مسیر راه ها چنگک ها و ابزار های ثابتی وجود دارد (یا چنان لوازم را جستجو و دستیاب میکنند) که حمل کننده برای دم گرفتن و خورد و نوش و حاجات دیگر ؛ محمولهء مقدس خود را بر آنها بلند تر و دور تر از کف خاک قرار دهد و سپس مجدداً آنها بر گرفته و به راهپیمایی بپردازد .
بیشتر افراد فقیر (اعم از زن و مرد) یا با اعتقاد شدید ؛ پیاده رفت و آمد می کنند و در مسیر راه ؛ پاهایشان آبله کرده ؛ بالاخره زخمدار میگردد .



بنده شاهد جوانان و جوان پسرانی بودم که پاهای افکار و زخمی ایشان بنداژ و پلستر شده بود و با اینهم به سختی طاقت فرسا و افتان و خیزان راه میرفتند ؛ یعنی که استراحت و رعایت ایجابات تداوی را منافی کمال عبادت خود می پنداشتند !
گفته میشود که علاوه بر مؤمنان و معتقدان و ریاضت پیشه گان ؛ جوانان بیکار و بیچاره نیز ؛ به این کار می پردازند و در بدل ؛ از کسانی که خریدار خدمات ایشان اند ؛ پول و امکانات رفت و برگشت

دریافت می نمایند . آنانی که پول می پردازند طبعاً توقع دارند که طور نیابتی ؛ عین عبادت از جانب ایشان مقبول واقع شود !

شاید منجمله به همین دلیل باشد ؛ که بنده حین عکس برداری ؛ با ناراحتی ها و حتی آواز های «نوو فوتو!» و « دونت پیکچر!» از طرف برخی شرکت کننده گان این راهپیمایی مواجه می شدم . حتی در یک مورد جوانی نسبتاً با عصبانیت محمولهء خویش را به همراهش داده و با عبور سراسیمه از ازدحام ترافیکی در چار راهی ی معبد هنومان جی ؛ نزد من آمد تا تصویرش را از کامره پیدا کردم و اکیداً خواست که آنرا "دلالت" نمایم .

از لحاظ روانی معلوم بود که وی کم از کم با عقیده و احساس راحت وجدان ؛ این کار را نمی کند و تصور دارد که این ؛ رسم آنچنان با معنا و غرور آفرین نیست ! احتمالاً شرکتش در راهپیمایی جبری و " نیابتی " است و یا هم تنها به خاطر راضی داشتن فامیل و اقربا و «همرنگ جماعت» بودن ؛ وادار به آن گشته است !

جوانانی به این سن و سال که تحصیلات و اطلاعات عمومی داشته باشند ؛ لابد از حقایق امروزی که پیرامون مؤمن به هایی چون رود گنگ وجود دارد ؛ درکی و احساسی دارند و این درک و احساس ممکن نیست آنان را به تلاطم های روانی و عقلی دچار نسازد . ولی در جامعه ای مانند هندوستان ؛ آسان نیست که در همچو موارد ؛ لام تا کام دم برآورد و صغرا و کبرا کرد!

اکثریت غالب جامعه ؛ چنان در باور های خود مصر و متعصب اند که اصلاً هیچ سوال و مسأله ای در مورد چونی و چرایی آنها نزد شان وجود ندارد ؛ یا لا اقل ناگزیر اند چنین وانمود کنند ! درین موارد ؛ امروز بیشتر ؛ سخن خواهیم گفت ؛ ولی حالا دوام مراسم مذهبی :

بر عکس مورد های استثنایی ی بالا ؛ اکثریت مطلق کسانی که کمره و حتی نگاه های عابران و حاضران را متوجه خود می یافتند ؛ به وضوح احساس شادمانی و غرور می کردند . منجمله جوانپسران زیادی از من خواستار یک کاپی از تصویر مربوط می شدند . ولی دریغا که کامرهء من ؛ عقب مانده تر از آن بود ؛ که چنین تقاضا هایی را بتواند اجابت کند !!

سر انجام هرکدام از این راهپیمایان عبادتی ؛ محمولهء مقدس خویش را به مندر محلّهء خود میرساند و آنجا نخست مقداری از آن نثار مندر و صرف افشاندن بر سر بگوان های مربوط میگرد و سپس متباقی به خانه ها برده می شود و بلاتشبیه مانند « آب زمزم » مسلمان ها مورد استفاده های متبرکانهء متعدد از جمله ریختن در کام آدم های در حال نزع ؛ قرار میگیرد .



برای من و شاید خواننده گان عزیز ؛ شرکت گسترده زنان هندی در این راهپیمایی ی بسیار شاق و طاقت فرسا ؛ چه بسا در حالیکه کودک خود را هم در بغل دارند و حمل میکنند ، تکاندهنده است . ولی چه باید کرد ؛ زنان در سرزمین هزار دین و 33 کروور بگوان و خدا ؛ روز و روزگاری به مراتب تکاندهنده تر از این داشته اند و دارند .

هم آنان بودند که در رسم مذهبی ی «ساتهی» با شوهران متوفی ؛ زنده زنده سوختانده می شدند و... تا سرانجام انگلیس های استعمارگر هندوستان این رسم و عنعنهء شوم را ممنوع کردند و می گویند که از این منع ؛ تا کنون کمتر تخلف شده است و تخلف میشود !

بدینگونه داستان زن هندی ؛ علی الرغم « زن خدایی» مسلط و بینظیر در هندوستان ؛ مخافت های زیاد داشته است و دارد و همین اکنون نوعی «زنده به گور» کردن آنان از جمله به طریق "سقط جنین دختر" ؛ «معضل ملی» ی هند است و هندوستان شاید اولین کشور در جهان باشد که به تناسب بلندی ؛ کمبود "یک زن در برابر یک مرد" دارد و به اصطلاح ناگزیر است از خارج زن و عروس « وارد » نماید و یا بالاخره مانند بخش هایی از نیپال ...؛ راه یک "زن برای دومرد و چند مرد" را در پیش بگیرد .

رقم دقیق اعلام شده در خاطرم نیست ؛ ولی این رقم تا کنون در حدود 80 زن در برابر 100 مرد

تثبیت شده میباشد .

البته من بنا ندارم در گستره های مذهبی که شدیداً روانی استند ؛ به گفتمان عقلایی و منطقی و علمی بپردازم . ولی دنیا و مردمی که خود را بشر میدانند و بشر هم در هرکجا پیش از همه لابد «حیوان مذهبی» است ؛ باید حد اقل تماس با واقعیت های سرسخت موجود را داشته باشند !

کما اینکه هیچ بشری حاضر نیست به محض **مذهبی** بودن ؛ خود را آتش زده خاکستر کند ، از قلهء کوه پرت سازد ، در چاه بیافگند ، به نوشیدن زهر و خوردن کثافات زهری ی عیان تن دهد و یکسره خویشتن و عزیزانش را به چنگ قاتلان و تروریست ها و یا به کام نهنگ و اژدها و کروکودیل و شیر و گرگ و گراز... بیاندازد !

مگر نه این است که برای عابد بودن ، عارف بودن ، ملا و مولوی و "گروو" و برهن بودن ؛ شبان و کشیش بودن ، قاری و حافظ و نماز خوان و پیش نماز بودن ، برای ریاضت کردن ، ثواب کمایی

داشتن ، اجرای مناسک مذهبی ، تجلیل و تکریم هر خدا و بگوان و گاد و خادمان و مستأجران و در انحصار دارنده گان آنان ؛ هم نخست زنده بودن و باز صحتمند بودن و تتومند بودن و اهل ((تولید و پیدا)) بودن الزامی است ؛ تولید مثل و ادامهء نسل ضرور است تا خدایان ؛ در آتی بی بنده و بی عبادت کننده و بی پرستنده و بی قربانی کننده نمانند و خدایی ها به زوال و نابودی سر دچار نگردد ؟؟؟!

ضمن جستجو در انترنیت پیرامون مناسک ((ژل گنگاماتا)) به خبر لرزاننده و سپس به تصاویر وحشتناکی برخوردیم که حتی کسان دارای ناراحتی های قلبی و کودکان از دیدن آن ها منع شده اند . من با تمام دقت ورزی ها در آثار و تألیفات و محتاط کاری هایی که به لحاظ یافته های روانشناسی و مردم شناسی و داده ها از ابر لابراتوار سیاسی - اجتماعی - نظامی - جاسوسی - ابلیسی ... ی «افپاک» دارم ؛ نمی توانم حتی بر یک مذهبی ی متحجر و ارتدوکس و متعصب و متشدد - چه هندی و چه غیر از آن - درین مورد سخن نگویم .

خاموش بودن درین موارد یعنی بشر نبودن ؛ یعنی خود را به خیریت زدن و دیگران را از آن هم فرو تر انگاشتن !

پیش از آنکه وارد اخبار ؛ اطلاعات و تصاویر مربوط گردیم اجازه دهید ؛ ببینیم « مرغ اول به دنیا آمده است یا تخم ؟! » ؛ یعنی هندوستان و خدایان و مذاهب و مردم آن اول به دنیا آمده اند و یا شبه قاره یا قلات معینی که اینک ایشان در آن به سر می برند ؟

مطلقاً باید در این مورد به توافق برسیم تا امکان برای صحبت و مناظره فراهم آید !

« هند دومین کشور پرجمعیت دنیا است و قریب به یک ششم جمعیت جهان را در خود جای داده است، تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی به این کشور چشم اندازی شگرف از همزیستی مسالمت آمیز میان اعتقادات گوناگون بخشیده است.

نژاد مردم هند، شامل : ۷۲٪ هندوآریائی، ۲۵٪ دراویدی و ۳٪ نژاد زرد است که این نژادها بر اساس شرایط مکانی، فرهنگی و دینی نیز دارای تقسیمات خاص خود هستند.

۸۴٪ مردم هند باسواد هستند که این آمار در مردان ۷۵٪ و در زنان ۵۳٪ می باشد .

آب و هوای هند دارای تنوع بسیار قابل توجهی از کوهستانهای همیشه پوشیده از برف هیمالیا تا منطقهء حاره و گرمسیری میانه و جنوب و کویر خشک غرب این کشور است.

چهار فصل هند نیز شامل : سرد و خشک از ماه دسامبر تا فبروری ، گرم و خشک از ماه مارچ تا می، فصل بارش از ماه جون تا سپتامبر و معتدل در ماه های اکتبر و نوامبر است . به طور میانگین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی متر باران در سال ، تقریباً سراسر هند را در بر می گیرد که این مقدار به ۲۵۰۰ میلی متر در سواحل و ناحیه شمال شرقی هند می رسد. [۹] میانگین بارندگی سالانه در بنگال غربی به بیش از ۱۱ هزار میلی متر در سال می رسد .

مساحت ناحیه قابل کشت هند ۲۱۹ □ ۲۶۹ □ ۱ کیلومتر مربع (۷۸٪/۵۶ کل مساحت کشور) است که به دلیل رشد سریع جمعیت و افزایش شهرنشینی رو به کاهش گذاشته است.

جمعیت هند : به طور تخمینی ۱۲۰ □ ۱۰۰ □ ۱۰۰ (در سال ۲۰۰۷) بوده - آب های داخلی ی آن ۹٪/۶ و رشد جمعیت آم سالیانه : ۱٪/۴ محاسبه شده است !

پیشینه حضور انسان در شبه قاره هند به دوصد تا چهارصد هزار سال میرسد.

اما اولین تمدن به معنای واقعی در این سرزمین، تمدن حوزه رود سند با قدمت نزدیک به سه هزار سال است که با تمدن شهر سوخته در ایران همزمان بوده و با آن مرادفات نزدیک داشته است و تقریباً پس از ورود آریایی‌ها بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد، هر دو از بین رفته‌اند. ورود آریایی‌ها به هند در فرهنگ؛ دین و ادبیات و سیستم اجتماعی این سرزمین بسیار تأثیرگذار بوده است. از جمله میتوان در زمینه به شکل‌گیری ی سانسکریت، تدوین متون مقدس هندو و پیدایش سیستم طبقاتی جامعه هند اشاره نمود.

اولین امپراتوری در هند با حکومت سلسله موریای بین سال‌های ۳۲۶ تا ۲۰۰ قبل از میلاد شکل گرفت. قدرتمندترین حاکم تاریخ هند تا قبل از گورکانیان، **آشوکای بزرگ** نام دارد که سومین شاه این سلسله است. وی در تمام جنبه‌های هنری و اجتماعی و سیستم اداری از هخامنشیان ایران الهام گرفت. آثار بسیار مهم حجاری ی این دوره مانند پیکره چهار شیر (نماد ملی هند) بسیار تحت تأثیر حجاری تخت جمشید است.

«*»

از لحاظ یافته‌های زمین‌شناسی نیز شبه قاره هند تقریباً به طور کامل؛ متأخرترین شبه قاره است که در اثر یک انقلاب تکتونیک؛ پیدایش یافته، بالای بحر آمده و حتی سلسله جبال هیمالیا در همین پروسه تشکیل شده و بنابر این؛ هیمالیا یکی از جوانترین سلسله جبال در جهان میباشد. این؛ بدان معناست که هزاران سال قبل از اینکه حتی هندوستان؛ در روی جغرافیای عالم موجودیت یابد؛ پروسه **تکامل حیات**؛ به پیدایش بشر معاصر انجامیده بود و سرزمین‌های کلد و آشور و اطراف نیل؛ افریقا و آسیای میانه و جنوب شرقی و همینطور مناطقی در چین و اروپای شرقی و غربی و حتی در امریکای شمالی (پیرو و مکزیک) مدنیت‌ها و فرهنگ‌های پیچیده و شگرفی را خلق کرده بودند. مذاهب – همزاد ناگزیر بشر -- در تمامی این مدنیت‌ها و فرهنگ‌ها وجود داشت و منجمله همین پرستش آب و دریا مثلاً رود نیل؛ جای بزرگی را در مذاهب اولیه احراز میکرد و این تقدس و حرمت آب؛ در مذاهب کنونی هم به درجاتی وجود دارد که میتوان در مورد؛ از آب زمزم نزد مسلمانان یاد کرد!

بر اساس کشفیات در بیولوژی ی مالیکولی؛ در نوع حیات **کاربن بیز** که غالب گونه‌های شناخته شده حیات؛ از همین نوع میباشد؛ بدون آب؛ اصلاً تصور اینکه حیات بتواند به وجود آید و مداومت کسب نماید؛ غیر ممکن است. تازه بین ۷۰ تا ۹۰ فیصد تمام بدن و ارگانیزم بشر؛ آب است؛ از ازل آب بوده است و تا ابد آب خواهد بود.

جانوران ماورا بشری؛ هم قریباً در قالب عین فورمول می آیند!

برای آنکه اندازه آب در نباتات را تصور کرده بتوانید؛ مثلاً یک عدد بادنجان رومی، ام؛ کیله، سیب، برگ؛ شاخچه و غیره را در تازه گی وزن نمایند و بعد آنرا خشک کنید؛ خواهید دید که چند فیصد آنها تبخیر میشود و چه بر جامی ماند که هنوز هم مطلقاً عاری از آب نیست!!

در آنچه ما من حیث غذا و دوا استفاده میکنیم؛ کم از کم بالاتر از دوثلث؛ آب وجود دارد و بر علاوه الزامی است که یک فرد بشر بالغ روزانه اقل چهار تا پنج لیتر آب بنوشد. آب؛ خود بزرگترین دوا و درمان است؛ غسل با آب و حتی شست و شوی قسمی ی دست و روی و موی و دیگر اندام‌ها برایمان

فرحت و نشاط و سلامتی می بخشد . آب به گونه باران و برف و بخارات در ترکیب هوای اتموسفر فضا را برای تنفس و تفرج ما و دیگر جانوران و نباتات آماده نگه میدارد و ... و ... بدینجهت بشر اولیه کاملاً حق داشته است که خدا و آفریدگار را در آب متجلی ببیند ؛ چنانکه در خورشید و سایر پدیده های راز ناک طبیعت متجلی میدیده است !

می بینید که اصلاً و ابداً عیب و ایرادی درینگونه باور ها نیست . بنده میخواستم در رابطه مقداری وارد مفهوم « مقدس و غیر مقدس » شوم ؛ اما چنانکه معلوم است سخن از حوصله یک یاد داشت بیرون میشود .

لذا با عرض اینکه آب یا هر شی مقدس ؛ الزاماً خود تضمین کننده پاکیزه گی ی خود نیست ؛ توجه هارا میخواهم به آفات ملوث کننده و مسموم کننده ای جلب بدارم که به موازات رشد و تکثر نفوس و شرایط متراکم زیست مدرن و صنعتی به شدت افزایش یافته و در نتیجه دریا ها و جویبار ها و جهیل ها ، سایر منابع آب های رو زمینی و زیر زمینی و حتی اقیانوس ها را به شدت صدمه زده است . لذا دیگر دریا های ولو مقدس هم ؛ پاکیزه نیستند و درین زمره - با اینکه بنده هنوز بخت دیدن دریای گنگ را نداشته ام ولی - اطلاعات مؤثق و مصور می رساند که متأسفانه این دریا نیز ؛ به شدت آلوده شده است ! بنده دریایچه ها و جویبار های متعددی را که در گوشه گوشه دهلی ی جدید و دهلی کهنه جریان دارند ؛ سرسری مرور نموده ام . در بسیاری موارد فقط بوی و تعفن آدم را متوجه می سازد که اینجا باید رودخانه یا جویباری وجود داشته باشد و زمانی که می بینی ؛ چیزی همانند کانال فاضل آب به نظر می آید و آب سیاه و چرک و چرب و کثیف غلیظ در هرکدام آنها به زحمت سینه می زند و حرکت میکند ؛ حتی در ماه های بارانهای مونسونی که همین اکنون ادامه دارد ؛ این وضع چندان تفاوت نمی نماید .

من نمیدانم پایان کار این گونه فاضلاب ها به کجا میرسد ولی مسلماً عده ای هم بالاخره به دریای جمنا و به وسیله آن به دریای گنگا میریزند . قرار معلوم گنگ ؛ دریایی چنان بزرگ و پهناور است که در اکثریت ایالات هند شاخه و پنجه دارد و یا از میان آنها عبور مینماید . و مسلماً در همه جا با عین تهدید و خطر آلوده شدن توسط کثافات فاضلاب های بشری و صنعتی مواجه است !

رویهمرفته دریای گنگ و هیچ چاه و چشمه و دریای مقدسی بدبختانه در روزگار ما ؛ دیگر آن پاکي و صفا و شفافیت را ندارد که در زمان تکوین و تدوین باور ها و شرایع و مناسک ... پیرامون آن ها در هزاران و ده ها هزاران سال پیش حایز بوده اند .

این ؛ نتیجه بی تمیزی ها و حتی جنایات عمدی ی بشری منجمله در گونه های به خرافه کشانیدن باور ها و معتقدات ساده و معصومانه اجدادی است و لذا در اصل تقدس و حرمت آب و دریا ... سوال و شائیه ای را متوجه نمی سازد .

از جمله امروز در هند فابریکات عظیم تصفیه و صحنی ساختن آب و عمدتاً آب گنگ وجود دارد . مردم ناگزیر اند حتی همه روزه بشکه های آب تصفیه شده را که در فواصل دور از فابریکات به قیمت های کمرشکن میرسد ؛ خریداری و مصرف نمایند . البته آنچه نیاکان ما بر آن تقدس بخشیده و از پاکیزگی و حیات بخشی و خصوصیات درمانی و غیره آن سخن رانده اند ؛ همین بخش یا مانند همین بخش آب و در جمله آب گنگ بوده است که پس از تصفیه ؛ امروز ؛ از فابریکات بیرون می آید . شاهد اثبات کننده این حقیقت ؛ همانا وسواس آنان حتی از بر خاک گذاشتن ظروف انتقال این گونه آب ها و آب به طور کلی بوده است که در اوایل یاد داشت از آن یاد آور شدیم !

این بحث هم از نظر مذهبی و هم از دیدگاه علمی در همین راستا دراز دامن است و منجمله اینکه چرا متولیان ادیان و شرایع اغلب ؛ عناصر عقلانی و حکمت های ژرف باور ها و معتقدات را پنهان میکنند و یا وارونه میسازند ؛ نیازمند بررسی های جدی است ؛ و تازه با بررسی های صرف هم کار چندان مهمی نمیتوان کرد .

این است که **یک سیستم اعمال تأثیر روانی و تعلیمی - تربیتی بر گسترده ترین اقشار توده ها** به سطح تمام جهانی اشد ضرورت را دارد .

بنده بختیار و شادمانم که نخستین تجربه ها را درین استقامت انجام داده و توسط اثر داستانی - دراماتیک ((گوهر اصیل آدمی)) که باید هرچه زود تر به فیلم هم تبدیل شود ؛ آنها را در خدمت هموطنان و هموعان قرار داده ام .

با قید این خبر گوارا که چاپ کتابی ی همین اثر به کمک مالی ی دوستان اثر و بنده - که در نوع خود بی سابقه می باشد ؛ زیر چاپ است ؛ خبر ناگوار و تصاویر ناگوارتر از حول و حوش گنگ مقدس را از نظر شما میگذرانم و شما را به تفکر درباره چیستی و چرایی مذاهب و نیز رابطه های انطباقی ی آنها با واقعیت های سابقاً غیر قابل تصور در عصر امروز و دنیای کنونی فرا میخوانم :

((گنگ مقدس آلوده است

ایرن- مهران کوشان: دولت بریتانیای کبیر در قرن نوزدهم از نیروی کار ارزان هندیان بهره ها برد. در بسیاری از مستعمرات بریتانیا که بقول معروف هیچگاه خورشید در آن غروب نمی کرد کارگران هندی سنگ بنای بسیاری از تاسیسات صنعتی را نهادند. هنگامی که بریتانیا عده زیادی از هندیان را برای توسعه کشاورزی به جزایر فیجی فرستاد با ذکاوت و هوشمندی که تنها از انگلوساکسون ها انتظار می رود یک کشتی مملو از بشکه هایی از آب رود مقدس گنگ را نیز به جزایر فیجی فرستادند تا هندیان با فراغ بال به کار مشغول گردند !

بر اساس آئین هندو غسل در آب رود گنگ تمامی گناهان را پاک می نماید از این روی در شهری چون بنارس که در کرانه رود مقدس گنگ بنا شده در همه حال زائران هندو با خلوص نیت به نیایش و غسل مشغولند .



اما گنگ مقدس آلوده شده است!

در آئین هندو رسم بر سوزاندن مردگان است تا روانشان از آرامش ابدی برخوردار گردد. پس در کرانه های رود گنگ همواره شعله های آتش ؛ هندوان را به خاکستر بدل می کند. اما حتی در شعله ور گشتن نیز بین دارا و ندار در جامعه کاستی (طبقاتی) هند تفاوت وجود دارد. خلاف اغنیاء، بستگان کسانی که از تمکن مالی مناسبی برخوردار نمی باشند هزینه پرداخت بهای چوب لازم را نداشته و بنابراین تبدیل جسد به خاکستر به دقت صورت نگرفته و پس از ریختن بقایا در رود

مقدس گنگ ؛ باعث آلودگی شدید رود مقدس می گردد



به دلیل این آلودگی شدید و ورود پساب های کشاورزی و صنعتی ؛ مقامات به فکر رها سازی و احیای جمعیت لاک پستان بزرگ و کروکودیل گویال برای پاکسازی بقایای مردگان افتادند که چندان جوابگو نبود.

در طول قرن نوزدهم و بیستم بسیاری از پوشش های جنگلی هند یا به اراضی کشاورزی تغییر کاربری داده و یا برای برآورد نیاز های سوختی قطع گردیده اند. سوزاندن مردگان در این کشور میلیاردی حجم عظیمی از چوب را در هر سال طلب می نماید که تاثیر مستقیم بر کاهش پوشش جنگلی گذاشته است. در سال های گذشته طرح جایگزین نمودن گاز برای سوزاندن مردگان بجای استفاده از چوب پیشنهاد شد ولی اغنیا به دلیل ترس از دست دادن جایگاه اجتماعی به واسطه استفاده از سوختی ارزان قیمت بجای چوب های پربها ؛ و طبقات پایین به دلیل اعتقادات مذهبی خاص خود چندان از این طرح استقبال ننمودند. جامعه هند ؛ عنوان بزرگترین دموکراسی دنیا را به سادگی بدست نیاورده است. هرگونه اعمال زور و خشونت بی مورد برای تغییر الگوی مصرف سوخت از فرآورده های چوبی به گاز با مقاومت منفی مردم روبرو خواهد گردید.

در این موارد **تغییر دیدگاه و اذهان معتقدان** به یک اصل بسیار بیشتر از قانون گذاری صرف ضرورت دارد تا منجمله باعث کاهش فشار بر حجم درختان سرپا برای مراسم یادبود مردگان می گردد.))
لطفاً به عبارت **تغییر دیدگاه و اذهان معتقدان** در متن فوق دقت فرمائید. بقا و سلامت امروز و فردای نوع بشر و حتی بود و نبود جهان دیگر با این عبارت پیوند ذاتی و سرشتی و سرنوشتی دارد. ولی فقط نوشتن این عبارت آسان است !

تغییر دیدگاه و اذهان معتقدان!!!!!!

چطور ؛ چگونه و از کدامین راه ها و با کدامین ابزار ها و میتود ها و انرژی ها و امکانات ؟ سعی فرمائید به این پرسش ؛ پاسخ بیابید و اگر خواستید سری هم به اثر « گوهر اصیل آدمی » بزنید . ممکن است در آن و در فراسو هایی که از آنها سخن میگوید ؛ چیزی پیدا نمائید . شما ؛ یا طراح یک میتود متفاوت برای **تغییر دیدگاه و اذهان معتقدان** خواهید شد و یا به دفاع از میتود و محتوای « گوهر اصیل

آدمی « به عین منظور و غایه کبیر بشری برخوردار خواهید خاست ؛ البته در حالیکه؟! ****

تصاویر دیگر را ناچار خیلی کوچک میسازم . آنها را به طور کامل و درشت ؛ در لینک زیر میتوانید ببینید ؛ ولی کسانی که قلب و اعصاب ضعیف دارند و نیز کودکان نباید بر آنها نگاه کنند !

<http://www.bo3e.blogspot.com/1389/09/07/post-1103/>



چون باور بر این است که غسل کردن در آب گنگ ؛ شفا بخش نیز هست ؛ لذا روزانه بیمارانی که می توانند میکروب یا ویروس یک اپیدمی یا پاندمی وخیم عالمگیر را در خود داشته باشند ؛ نیز در آن آب تنی میکنند :



و بالاخره هم کسانی درمانده ؛ باورمند به خود کشی هایی مثلاً « مهاویرایی » با باور بر اینکه در هر حال ابدیت در اعماق و در ذات گنگ مقدس است ؛ خویشتن را در آن غرق نموده گویا از زنده گی و عذاب رها میسازند و یا هم شاید بعضی هایی که توانایی سوختاندن میت خود را ندارند ؛ آنرا مستقیماً در گنگ بیاندازند که مناظری ازینگونه در آن پیدا میشود :



در خاتمه گفتنی است که من ؛ هند و مردم آنرا به دلایل گوناگونی که قسماً در 12 یا داشت گذشته منعکس شده است ؛ دوست دارم و در برابر شان ادای تعظیم میکنم ؛ ولی حقیقت را نیز دوست دارم و در برابر آن تعظیم و تکریم بیشتر به عمل می آورم . آنچه مردم با آنهمه زحمت و خلوص نیت از منطقه خاصی در ((هریدوار)) بر میگیرند و هرسو می برند ؛ شاید پاکترین و پاکیزه ترین بخش سرچشمه ای ی رود گنگ مقدس باشد ؛ معهذا من به لحاظ

جغرافیایی مطمئن نیستم ؛ چون هریدوار پس از بنارس می آید که در آن غسل های میلیونی انجام میگردد و....

به هرحال حد اقل تحقیق و نیز معاینات لابراتواری ی آنچه «ژل گنگاماتا» خوانده میشود ؛ و همچنان آب قسمت های دیگر که مردمانی برای آشامیدن مستقیم و تبرکی برداشت می کنند ؛ و تقدیم اطلاعات وقتاً فوقتاً برای عامهء مردم در زمینه یک ضرورت حیاتی برای خود هند و شاید هم برای جهانیان است .

چرا که برخی از آفت های صحنی که اگر از این ناحیه نشأت کند ؛ میتواند سلامت جهانیان را در شعاع غیر قابل اندازه گیری به خطر اندازد و مانند طاعون های معروف قرن های گذشته در اروپا ؛ طی روز ها و حتی ساعاتی میلیون ها بشر را به کام مرگ بسپارد!